

نمونه‌ی چند از

خطاهای مستشرقین

در محافل خاورشناسان عقیده عمومی اینست که بیشتر احادیث اسلامی جعلی بوده مورد اعتماد نمیباشد.

در دایرة المعارف اسلامی ذیل ماده « حدیث » بقلم « جوینبیل » چنین آمده است:

« نمیتوان بیشتر حدیث‌هایی را که در دست است از لحاظ تاریخی صحیح و منطبق با آئین پیغمبر دانست برعکس این احادیث آرائی است که بعضی از متنفذین نخستین قرن‌های پس از وفات محمد داشته‌اند. و فقط در این روزگار است که چنین احادیثی را پیغمبر نسبت دادند »

گولدسمیهر در کتاب خویش بنام « عقیده و شریعت » میگوید:

« نمیتوانیم احادیث جعلی را فقط به مردم نسلهای اخیر نسبت دهیم. برعکس احادیثی در دست است که کاملاً کهنه مینماید و این قبیل از حدیث‌ها را یا خود پیغمبر بیان نموده یا مسلمین اولیه نقل کرده‌اند. حتی در این احادیث جمله‌هایی میتوان یافت که از عهد قدیم و عهد جدید کتاب مقدس اقتباس شده و یا از سخنان رهبانیون و انجیل‌های جعلی و فلسفه یونان گرفته‌اند و نیز دانش ایرانیان و هندیها هر کدام بنحوی از راه « حدیث » باسلام راه یافته است. و بسی مشکل است که بتوان اهمیت این خطر نوظهور را درک کرد حتی مسلمین نیز نتوانسته‌اند خطر را پنهان کنند و باسانی میتوان فهمید که آنان راه‌دفع و مجال وسیعی که برای ما در مورد انتقاد این احادیث میسر است فراهم نیست چه برخلاف ما آنها احادیث را کاملاً صحیح و غیر مشکوک می‌پندارند و دست با انتقاد آن نمی‌بازند »

الفر دگیوم در کتاب خویش « اسلام » مینویسد:

« بقدری مسلمین نسبت پیغمبر خود تعظیم و تکریم روا میدارند که چون مسلمانی نام پیمبر را که همواره با سامی عده‌ی از راویان و صحابه و تابعان پیوسته است بشنود هرگز

جرات انکار حدیث نخواهد کرد. تا نسبت پیشوا و راهبر خود بی ادب محسوب نگردد. با اینحال مکتب انتقادی مخصوصی که دارای بنیان ثابتی است پدید آمده اما با کمال تأسف این مکتب چندان توجهی بنقد متن احادیث نکرده بیشتر انتقادات خود را متوجه شخصیت راویان و بحث از کیفیت، و نحوه رفتار آنان در هنگام حیات کرده است.»

سپس درباره ناقدان آغاز سخن کرده چنین میگویند:

«معمولا انتقادگران مسلمان در مورد احادیث بچشم تسامح و اغماض نگریسته اند. هر گاه حدیث ضعیف یا خطا و یا اسناد مشکوک باشد هیچوقت با اعتراض جدی نپرداخته اند چه این رفتار هیچگاه زبانی نداشته و چه بسا که از اتخاذ این روش سودها برده اند و از اینجهت بقای چنین احادیث را روا دانسته اند»

وی در این عقیده کاملاً با «گولدسپهر» و «جوینبل» متفق است.

منظور از اظهار این آراء و نظایر آن مشکوک کردن ذهن مسلمانان نسبت بشروت گرانبهای است که از دانش پیغمبر بیادگار مانده است و ایجاد شبهه در قسمت اعظم آثار رسول اکرم است که در تاریخ نسل بشر محفوظ مانده زیرا از احوال و اقوال و اعمال هیچ پیغمبری این اندازه که از حضرت محمد (ص) بیادگار مانده بر جای نمانده است. چه شریعت پیغمبر اکرم مشتمل بر قوانین اسلامی و مقررات اجتماعی و پندهای اخلاقی و معانی بر بهائی است که در هیچ مجموعه دیگر چه از آن اشخاصی که مستقیماً مورد وحی خدا بودند و چه از آن کسانی که از راه تحقیق و تجربه دانش اندوخته اند بچشم نمیخورد.

متأسفانه عده‌ای از محققین معاصر نیز با خاورشناسان همگام شده و در تألیف خود بالصراحه یاد آور شده اند که ارزش احادیث از نظر آنها بسی ناچیز و غیر قابل اعتماد است و چه بسیار که میگویند: این حدیث معمول و ساختگی بوده مقبول عقل نیست و از اینجهت باسانی نسبت با حدیث روایت شده‌ای که با افکارشان سازگار نمیباشد و یافهمشان از درک آن عاجز است آغاز مخالفت نهاده با خاورشناسان هماهنگ میشوند و میگویند: مبارزات و اختلافات سیاسی و غیر سیاسی سبب گردیده که جمع کنندگان حدیث برای محو احادیث جعلی مواجه با مشکلات و مشقات بسیار شوند.

برخی از این اشخاص چنان در کاستن اهمیت احادیث مبالغه کرده اند که ارزش آنرا تا حدی که ابن خلدون در مقدمه اش گفته تنزل داده اند چه ابن خلدون میگوید ابوحنیفه که در امر حدیث بسیار سختگیر بوده جز هفده حدیث بقیه را نادرست دانسته است.

در پاسخ این گفتار گوئیم:

استاد بزرگ الشیخ الکوثری علیه الرحمه در خصوص این موضوع گفته است:

«در این مورد ابن خلدون مرتکب خطای فاحشی شده که نباید فریفته آن گردیده چه احادیث مورد تصدیق ابو حنیفه با همه سختگیریهای او مشتمل بر هفده حدیث نبوده بلکه در هفده کتاب تدوین شده که هر یک از این کتابها به «مسند» ابو حنیفه معروف است و جماعتی از حفاظ و حدیث دانان روایات خویش را که کم بایش از او دریافت داشته اند بوی اسناد داده اند»

برخی از معاصران نیز شیفته و دل‌باخته روش گستاخانه مستشرقین در بحث و انتقاد احادیث گشته تصور میکنند علماء حدیث بدون بررسی در اصل و مبنای احادیث بجمعه آوری آن پرداخته اند.

مثلاً نویسنده کتاب «حیات محمد» ❖❖ میگوید :

بهترین مقیاسی که بوسیله آن میتوان صحت یا سقم حدیث یا دیگر اخباری را که از پیغمبر (ص) رسیده است شناخت روایتی است که از همان حضرت نقل شده است آنجا که می‌فرماید :

(انکم ستختلفون من هدی فما جاءکم عنی فاعر صوه علی کتاب الله فما وافقه فمنی وما خالفه فلیس منی .)

« پس از من اختلاف خواهید کرد هر روایتی که از من نقل میکنند آن را با کتاب خدای مقایسه کنید اگر موافق بود از منست و الا از من نیست».

عین این حدیث را گولد تسیهر نیز در کتاب خویش «عقیده و شریعت» نقل کرده و آن را نشانه کثرت جعل اخبار حتی در زمان پیغمبر پنداشته است. اینان فراموش کرده اند که اصلاً خود این حدیث (یعنی حدیث انکم ستختلفون... الخ) ساختگی و مجعول ❖❖ است و نمیتوان بدان استناد کرد.

در جزء چهارم کتاب «الموافقات» شاطبی پس از نقل این حدیث چنین آمده است: «عبدالرحمن بن مهدی گوید: زنادقه و خواجه این حدیث را جعل کرده اند. قومی بمعاوضه با این حدیث برخاسته گفتند مادر و هله اول همین حدیث را با کتاب خداوند

❖❖ - مقصود دکتر محمد حسین هیکل دانشمند و محقق فقیه مصری است

❖❖ - متأسفانه نویسنده محترم در این مورد مرتکب خطای فاحشی گشته و حدیثی را که در اصالت و صحت آن کمترین تردیدی نیست نادرست و مجعول پنداشته است. دلایل استاد عبدالوهاب حموده در این خصوص مورد انتقاد دو تن از عالمان یکی شیعی و دیگری سنی قرار گرفته که بیاری خداوند در شماره آینده بترجمه پاسخ این دو تن مبادرت میشود

(مترجم)

مقایسه کرده سپس بر وفق نتیجه عمل میکنیم (این نوع معارضه را معارضه یا خصم با ستناد دلیل او گویند) و گفتند: پس از مقایسه با کتاب خداوند آن را معارض با دستور پروردگار یافتیم چه در هیچ جای قرآن اشاره نشده است که حدیث پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم را جز بشرط موافقت با قرآن نپذیریم. برعکس قرآن متابعت از گفتار پیغمبر و اطاعت از او امر او را توصیه و مخالفت از فرمان وی را بهر شکل و صورت که باشد منع میکند خدای تعالی میفرماید و ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عند فانتهوا. آنچه پیغمبر بشما دهد بگیرید و از آنچه منعتان کند باز ایستید.

عجلونی در کتاب «کشف الخفاء» میگویند:

در این حدیث از زمره جعلی ترین احادیث است و برعکس خلاف آن ثابت شده چه رسول (ص) میفرماید لا القین احدکم متکنا علی متکا، یصل الیه عنی حدیث فیقول لانحد هذا الحکم فی القرآن الا وانی او تیت القرآن و مثله معه» نیابم کسی از شمارا که بر تکیه گاهی (جز قرآن و گفتار من) تکیه زند و چون از من بروی حدیثی رسد گوید: این حکم را در قرآن نمی یابیم آگاه باشید که بر من قرآن وحی شد و مثل آن نیز نویسنده کتاب خبیر الاسلام در تأیید گفتار گولد تسهیر میگوید! علماء حدیث با انتقاد اسناد و حلقه های زنجیر حدیث بیشتر پرداخته اند تا انتقاد از متن حتی بخاری با همه عظمت قدر و مقام خویش و دقت بسیار احادیثی را صحیح دانسته که حوادث روزگار و مشاهدات تجربی نادرستی و بطلان آن را ثابت کرده است چه بخاری نیز فقط با انتقاد راویان حدیث میپرداخت متن حدیث (و این عقیده الفرو کیوم است) از جمله این احادیث نادرست حدیث «لا یبعثی علی ظهر الارض بعد ما تهنه نفس منقوسه» (صدسال بعد تنی زنده بر صفحه روزگار نخواهد بود) و حدیث «من اصطحب کل یوم سبع نورات من عجوة لم یضره سم ولا سحر ذلک الیوم الی اللیل» (هر کس روزها با هفت خرمای عجوه بخورد ناشتا کند آن روز تا شب زهر و جادو بروی مؤثر نخواهد بود) است که مورد تأیید بخاری میباشد.

پاسخ ما بقسمت اول گفتار ایشان اینست که علمای حدیث دریافته اند که بحث در مورد اسناد یعنی بحث درباره صلاحیت و شایستگی هر یک از ادیبانی که حلقه های مختلف زنجیر حدیث را تشکیل میدهند برای مردم بسی مشکل تر از بحث در صحت و یا عدم صحت و متن حدیث است چه بحث در متن امری آسانتر است از این جهت عالمان حدیث همه کوشش خود را صرف بحث در اسناد کردند تا دیگران را از این مشکل بزرگ آسوده کنند. آنکسی اظهار رأی در مورد صحت یا سقم متن حدیث به مجتهد بیشتر مربوط است تا محدث.

عجوة ضرب من اجود التمر یضرب الی السواد (مجمع البحرین)

لکن قوه تشخیص مردم متفاوت است و بسا اوقات حدیثی که با عقل کسی سازگار نیست و در نتیجه بر رغم امانت راوی مورد انکاری است مقبول عقول دیگران که از وی دوراندیش تر و فهیمترند میباشد. از اینجهت روش درست، روش آن عده از اشخاص است که برای کشف حقیقت همت خود را مصروف بحث در احادیث هم از نظر اسناد و هم از لحاظ متن کرده اند.

اما در پاسخ قسمت دوم گفتار ایشان که دو حدیث مورد روایت بخاری را مجعول دانسته اند گوئیم. اگر استاد زحمت مطالعه شرح نجاری را بر خود روا میداشت از رنج این اتهام آسوده میگشت و با آن بیگانگان در انتقاد هم آهنگ نمیشد.

ابن حجر وعینی وقسطامانی در شرحهای خویش از حدیث «لایبقی علی ظهر الارض بعد مائة سنة نفس منفوسه» میگویند: منظور حضرت رسول صلوات اله علیه از این سخن آنست که یس از گذشت صدسال تمام از این تاریخ این گفتار هیچیک از کسانی هنگام ادای این سخن حضور دارند در قید حیات نخواهند بود.

در روایت دیگر از ابن عمر (باب السمر فی الفقه والخبر بعد العشاء) نقل شده است که پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم در اوایلین ایام حیات خویش شبی در پایان نماز عشاء پس از ذکر سلام برخاست و روی باصحاب کرده فرمود: اورایتم لیکنتم هذه - آیا این شب را دیدید (جواب در اینجا معذون و تقدیر آن چنین است که گفتند: آری) فان راس مائة لایبقی ممن هو الیوم علی ظهر الارض احد. در پایان این قرن (آغاز قرن جدید) هیچکس از کسانی که اکنون موجودند بر صفحه روزگار باقی نخواهند بود. ابن عمر می گوید:

منظور پیغمبر (ص) اینست که در پایان قرن (یعنی قرن اول و شروع سال ۱۰۰ هجری) کسی از مخاطبان حضرت زنده نخواهد بود. *گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

ابن حجر میگوید: آزمایش صحت گفتار رسول (ص) را ثابت کرد چه از میان اصحابی که آن شب مورد خطاب پیغمبر واقع شدند آخرین فردی که در گذشت ابوالطفیل عامر بن وائله بود که بر حسب اجماع همه عالمان حدیث وی دیرتر از همه وفات یافته و آخرین تاریخی که برای زیست او ذکر کرده اند سال ۱۱۶ هجری بود یعنی درست صد سال تمام پس از گفتار آن شب رسول اکرم وفات یافت.

اما در مورد حدیث دوم برای اینکه سخن بدر ازا نکشد خواننده میتواند در مورد تفسیر این خبر بکتاب «طب» بخاری رجوع کند و مطمئناً پس از مطالعه شرح حدیث و توضیح و تفسیر کامل آن دیگر نجاری را بروایت حدیثی مجعول متهم نخواهد کرد.

واکنون قواعدی را که علماء حدیث بوسیله آن احادیث مجعول را تشخیص میدهند بطور خلاصه ذکر میکنم .

۱- هر گاه حدیث معارض بایک واقعه تاریخی معروف باشد .

۲- هر گاه حدیث مخالف عقل و تعالیم اسلامی باشد (البته پس از عجز از تفسیر)

۳- هر گاه در مورد واقعه‌ئی که اگر صحت داشت مردم آگاه و در نتیجه روایت کنندگان بسیار میبودند راوی فقط یک تن باشد .

۴- هر گاه موضوع حدیث ناچیز و درخور عظمت رسول اکرم (ص) نباشد

۵- هر گاه حدیث کیفری شدید برای اعمال ناچیز و یا پاداشی بزرگ برای عملی ساده مقرر کند .

۶- هر گاه راوی اعتراف کند که در مورد فلان حدیث دروغ گفته است .

و نیز باید دانست که حفاظ و پیشوایان حدیث - که خداوند از بهترین پاداش برخوردارشان کند - کوشیدند احادیث را چه از لحاظ لفظ و چه از لحاظ کتابت و چه از لحاظ صحت یا جعلی بودن بدقت ضبط کنند آنگاه حدیث صحیح را از سقیم تمیز داد ، ابرهای تلبیس را بیکسوزند تا نور حقیقت تاییدن گرفت . و بر محقق معاصر که مایل است درباره احادیث مطالعه کند واجب است بکتاب مهمی که در این فن تدوین شده رجوع کند تا با مطالعه آن منابع روح تشنه اش سیراب شده غبار شک و تردید از صفحه ضمیرش بکلی معو گردد .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مکتب تشییم

فضلاء حوزه علمیه قم با انتشار نشریه سالیانه مکتب تشییم که مقالات آن بقلم توانای عده کثیری از دانشمندان بنام ایران است دین خود را بحوزه ادا کرده اند این نشریه که درباره مباحث مختلف اسلامی بطرز بی سابقه و شیوایی صحبت می کند میتواند معرف فکر و روحیه فضلاء روشن قم باشد

این اقدام مفید که در شناساندن حوزه علمیه قم بجهان خارج موثر و وسیله نزدیک ساختن مردم رمیده بدستگاه روحانیت میباشد در خور هزاران آفرین و تحسین است موفقیت بیشتری را برای نویسندگان و ناشرین محترم را از خداوند میطلبیم و عموم علاقمندان بنشر فضیلت را بمطالعه این اثر سودمند دعوت میکنیم